

مطالبه افزایش دستمزد را
به مطالبه ای ملی تبدیل
کنیم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

بازگرداندن مجدد رضا
شهابی به زندان

صفحه ۹

تحلیل هفته

فریاد کارگران هپکو؛ زیر بار ستم نمی کنیم زندگی



صادق کار

طرح دوباره یکی از شعارهای دوران انقلاب نشان می دهد که شکست انقلاب لزوماً به معنی به سر رسیدن دوران انقلابات و رها کردن مطالبات آن نیست، و هرگاه که نظام حاکم نخواهد و یا نتواند به طرق مسالمت آمیز به مطالبات و نیازهای جامعه پاسخ درخور دهد، جبراً موقعیت انقلابی خارج از خواست این و آن، در جامعه بروز پیدا می کند و ضد انقلاب تنها می تواند، مانند آنچه در هر دو انقلاب مشروطه و بهمن اتفاق افتاد، با بدست آوردن کنترل رهبری انقلاب آن را به شکست بکشاند.

توسط کارگران هپکو است که جزء شعار مردم در انقلاب ۵۷ بهمن بود. طرح دوباره این شعار آن هم ۲۸ سال پس از انقلابی که با وعده‌هایی همچون آزادی و عدالت اجتماعی و با مشارکت وسیع و موثر کارگران و توده‌های میلیونی زحمت کشان شروع شد، اما درعمل بخاطر خیانت خمینی مرتجع و هم دستان بازاری اش به انحراف کشیده شد و مسیری خلاف انتظارات مردم را پیمود، آن هم در حول و حوش سال گرد انقلاب بهمن و فضایی که حتی عده‌ای از انقلابیون پیشین نیز از انقلاب بهمن و اصولاً هر انقلابی روی برتافته‌اند، حائز اهمیت فراوانی است.

در هفته گذشته کارگران کارخانه هپکو در شهر اراک پس از یک رشته اقدامات اعتراضی و مقاومت جانانه توانستند ۲ ماه از دستمزد های معوقه شان را وصول کنند. همبستگی و مقاومت کارگران هپکو و حمایت افکار عمومی بسیاری از مردم اراک و کارگران دیگر از تظاهرات و اعتصاب های یک ماهه کارگران هپکو بدون شک در عقب نشینی مسئولان و پرداخت ۲ ماه از دستمزدهای معوقه نقش بسزایی داشت. یکی از نقاط عطف اعتصاب کارگران هپکو، سردادن شعار "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی - جان فدا می کنیم در ره آزادی..."



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

همبستگی ملی علیه استبداد حاکم را رقم زنند.

متأسفانه در طول سال های گذشته کمتر دیده شده که هیچ کدام از حامیان به اصطلاح همبستگی و آشتی ملی نسبت به بی عدالتی هایی که علیه کارگران و مزدبگیران و محرومان جامعه توسط حکومت اعمال شده، سخنی بگویند و خواهان همبستگی با آن ها شوند.

آقای خاتمی اگر دعوت به آشتی ملی می کند، می داند چه می کند، از ایشان که خودش یکی از بانیان حذف کارگران کارگاه های، کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار در دوران ریاست جمهوری بوده و اکنون از سیاست های ضد کارگری دولت روحانی نیز حمایت می کند، کسی انتظار حمایت از محروم شدگان از حق و حقوقشان را ندارد، **برای ایشان حفظ نظام بر هر چیز دیگری اولویت دارد و منظورشان از این دعوت آشتی جناح های حکومتی و باز تقسیم قدرت میان آن ها برای حفظ آن است.**

بنا بر این او دقیق و درست و منطبق با سیاست هایی که به آن ها اعتقاد داشته و دارد و آن را به سود خود و نظام می داند عمل می کند.

اما از کسانی که خودشان را جزء اپوزیسیون حکومت می دانند آن هم در شرایطی که زندان ها مملو از آزادی خواهان و حق طلبان است و ولی فقیه با جدیت مشغول چیدن مهره های طرفدار استبداد حاکم در نهادهای اصلی قدرت است، انتظار نمی رود که دعوت مشابهی بکنند.

مستضعفین و کوخ نشینان را به قدرت برساند، دسته دیگری از مستکبرین و کاخ نشینان را به قدرت رسانده که در پامال سازی حق و حقوق "مستضعفان" انصافا گوی سبقت را از سلف پیشینشان ربوده اند. آری این درست است که **بعد از انقلاب ظلم و بیداد، فقر و فلاکت نسبت به زمان پیش از انقلاب بیشتر شد و انقلاب بهمن در اثر خیانت رهبری خمینی، نتوانسته به اکثر خواسته ها و مطالبات واقعی شرکت کنندگان در انقلاب جامعه عمل پیوشاند** ولی به هیچ وجه شکست انقلاب ایران را نه می توان به گردن خود انقلاب و شرکت کنندگان در آن قرار داد و نه دوران انقلابات را برای همیشه پایان یافته دانست و نه همان طور که در خلال اعتصاب یک ماهه کارگران اراکی و دیگر اعتصابات کارگری دیده شد، مطالبات آن رها شده اند. در واقع وقتی که به گزارشات اعتصابات کارگری و دیگر گروه های مزدبگیر بنگریم، به آسانی رد و نشان همه مطالبات عملی نشده دوران انقلاب بهمن را می توانیم ببینیم.

یقین بدانید، تا زمانی که استبداد، فقر، تبعیض و بی عدالتی وجود داشته باشد انقلابات نیز وجود خواهند داشت و هیچ قدرتی نیز نمی تواند، مانع از وقوع آن ها گردد. بنا بر این آن هایی که نگران انقلاب آتی در ایران هستند و هر انقلابی را لزوما مترادف با خشونت می فهمند، اگر می خواهند انقلاب دیگری در ایران رخ ندهد، بهتر است به جای سر دادن ندای آشتی ملی و دعوت به همبستگی حول محور ولایت فقیه، برای پایان دادن به استبداد و بی عدالتی و آزادی افراد آزادی خواه و حق طلب که به زندان افتاده اند به حکومت فشار بیاورند و

بنا بر این اگر ضرورت انقلاب دیگری در ایران پیش بیاید که نظر به مقاومت سختی که ارتجاع و استبداد فاسد حاکم برای اجتناب از اصلاحات از خود نشان داده و می دهد چندان دور از انتظار نیست، که انقلاب سومی هم در ایران پیش بیاید. کما این که شکست انقلاب مشروطیت و شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت که آن هم کم شباهت به انقلاب نبود، هیچ کدامشان موجب رویگردانی همیشگی مرد از انقلاب و پیشگیری از انقلاب بهمن نشدند.

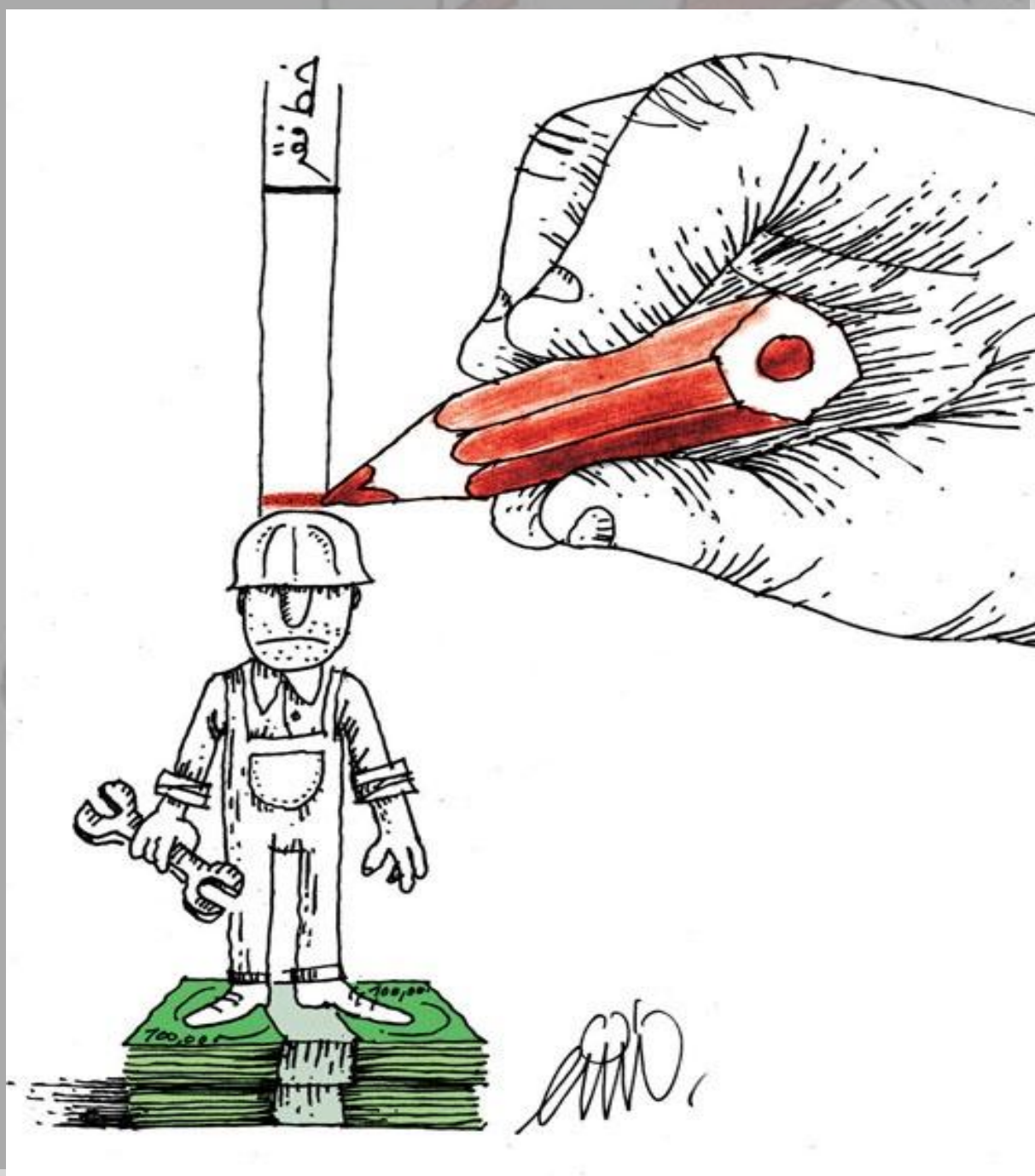
کارگران به واقع در انقلاب بهمن و در پیروزی آن نقش غیر قابل انکاری داشتند و جزء اولین گروه هایی بودند که بلافاصله پس از کشتار جمعه سیاه در میدان ژاله اعتصاب شان را آغاز و تا سقوط شاه آن را ادامه دادند. در آن موقع خمینی و همدستان او که نیاز به کارگران داشتند، فریب کارانه سخن از "انقلاب ما انقلاب کوخ نشینان است- این انقلاب از آن مستضعفان است- خدا هم کارگر است" و شعارهای از این دست به کارگران می دادند، اما از همان فردای به قدرت رسیدن شروع به تدارک سرکوب شوراها، سندیکاها و احزاب کارگری کردند و در عمل عدم پابندی شان را به مطالبات دمکراتیک انقلاب و وعده هایی که داده بودند، آشکار ساختند. او در همان حال که فرمان سرکوب سازمان های کارگری را صادر می کرد، مشغول سپردن پست های حساس و کلیدی سیاسی و اقتصادی به دار و دسته موتلفه و سرکردگان بازار که ضدیت شان با حقوق سندیکایی کارگران و عدالت اجتماعی شهره عام و خاص است، بود. نتیجتاً این که، ۲۸ پس از انقلابی که قرار بود بنا بر وعده های خمینی "مستکبران و کاخ نشینان" را از اریکه قدرت به زیر بکشد و



عدم انطباق هزینه های زندگی کارگران و زحماتشان با دستمزد

جعفر حسین زاده

شورای عالی کار در آخر سال ۱۳۹۴، حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۳۹۵، ۸۱۲ هزار تومان اعلام و تصویب کرد. اما وضعیت اقتصادی و آماری، نشان گر این ارزیابی است که حداقل سقف هزینه زندگی یک خانوار چهار نفره در حدود ۳ میلیون ۵۰۰ هزار تومان است. در دی ماه ۱۳۹۵، بانک مرکزی ایران خط فقر را کمی بیش از ۴ میلیون تومان اعلام کرد، برآورد داده شده نشان گر سقوط پنج برابری قدرت خرید کارگران در این سال است. بنا به اطلاعاتی که در مطبوعات ایران از مذاکرات درونی شورای عالی کار انتشار یافته چنین برآورد می شود که مرکز آمار ایران چگونگی پر کردن شکاف بین وضعیت مزد دریافتی و هزینه های زندگی کارگران و زحماتشان بین ۷۰ تا ۸۰ درصد ارزیابی می کند. با این وضعیت کارگران بخوبی متوجه می شوند که از ۳۳۰ اقلامی که مرکز آمار ایران برای تعیین نرخ تورم در نظر گرفته، آن ها فقط می توانند ۳۰ قلم را با توجه به درآمدهای خود





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی می گوید: شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:
۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود،
۲- حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین کند.

تبصره - کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت نمایند و در صورت تخلف ضامن تأدیه مابه التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید است."

تورم ۱۲ درصدی در کشور باعث شد که شورای عالی کار در سال ۹۵ طبق بند یک از ماده ۴۱ قانون کار، دستمزدها را در حدود ۱۴ درصد افزایش دهد. اما این افزایش دستمزد هیچ گاه نتوانست سبب معشیت خانواده های کارگری را با شرایط زندگی آن ها سازگار کند. در واقع می توان گفت افزایش ۱۴ درصدی می تواند تنها به مدت ۱۰ روز پاسخ گوی سبب هزینه های خانواده ها را شامل شود.

البته در بند دوم ماده ۴۱، معیارهای دقیق و روشنی برای افزایش دستمزد تعیین نشده است. اصولاً در اغلب کشورهای جهان که مقوله نامه های سازمان جهانی کار را امضاء کرده اند، می بایست هر کشوری قوانین داخلی روشن و دقیقی را در چارچوب آن مقوله نامه های بین المللی تهیه و تصویب کند و قانون کاری که به تصویب می رسد منطبقاً می بایست در عرصه عمل به اجرا در آید. در تاریخ حیات نظام سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی، قوانینی که بتوانند به معنای واقعی از حقوق مردم و کارگران و زحمتکشان دفاع کند به اجرا در نیامده است. در حکومت اسلامی ایران مصلحت و منافع نظام مقدم بر رفاه و زندگی شرافتمندانه اقشار زحمتکش است و بی توجهی به قوانین موجود حکومت و از جمله، **اجرا نشدن اصل ۲۸ قانون اساسی دال بر وظیفه ی ایجاد شغل متناسب برای آحاد ملت با توجه به نیازهای کشور را می توان متذکر شد**، در این میان هم اگر هر شهروند یا فعال صنفی- اجتماعی و مدنی که بخواهد از اجرای قانون صحبت کند با اتهامات گوناگون (مانند اقدام علیه امنیت ملی - توهین به رهبر و مقدسات، قوه قضائیه و غیره) مواجه می شود که با هزینه هایی چون دستگیری، زندان های طویل مدت و شکنجه و تبعید روبرو می شود.

دلایل وزیر کار در مورد افزایش ناچیز دستمزدها

علی ربیعی وزیر کار جمهوری اسلامی تاکید می کند: "ما بیش از این نمی توانیم دستمزدها را افزایش دهیم، چون کارفرمایان عزیز نمی توانند پاسخ گوی پرداخت افزایش دستمزد شوند، چون تولید خوب نیست". او در ادامه

مورد استفاده قرار دهند. البته این میزان از تورم برای جامعه کارگری ایران بسیار بالاتر از آمار اعلام شده است.

سال های بسیار مدیدی است که دولت ها در جمهوری اسلامی، گام های اساسی در جهت بهبود معیشت و دستمزد زحمت کشان کشورمان برنداشته اند. آنها حتی با تصویب قوانین ضد کارگری، زندگی کارگران را با دشواری های اساسی مواجه ساخته اند.

وضعیت تورم و افزایش دستمزد

در سال ۱۳۹۴، حداقل دستمزد کارگران ۷۱۲ هزار تومان اعلام شده بود که در سال ۱۳۹۵، به ۸۱۲ هزار تومان افزایش یافت. اعلام رسمی تورم ۱۲ درصدی و افزایش ناچیز دستمزد کارگران نشان گر این واقعیت تلخ و سخت است که افزایش حقوق کارگران همراه با واقعیت زندگی آنان هیچ گونه مطابقتی ندارد. احتمالاً بانک مرکزی ایران این ارزیابی را ارائه خواهد داد که تورم در سال ۱۳۹۶، بالغ بر ۱۰ درصد خواهد شد و در این شرایط افزایش دستمزد کارگران به کمتر از یک میلیون تومان خواهد رسید که به جرات می توان گفت که با هزینه های جاری زندگی آن ها هم خوانی ندارد. تشکل های مستقل کارگری خواهان تعیین حداقل دستمزد با توجه به میزان سبب معیشت که در حدود ۴ میلیون ۶۰۰ هزار تومان نسبت به خط فقر ارزیابی می شود، هستند.

قانون کار در مورد افزایش دستمزد کارگران و زحمت کشان چه می گوید؟



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

شوند و نه افزایش ۱۴ درصدی دستمزد کارگران!

قوانین بین المللی چه می گویند؟

ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در باره حقوق کار، دستمزد و تشکیل اتحادیه می گوید:
"هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بیکاری حمایت شود."
"هر کسی که کار می کند، حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تامین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود."
"هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه های موجود بپیوندد."
در جمهوری اسلامی هیچ گاه چنین موادی مورد توجه قرار نگرفته است و محکومیت هر ساله و مداوم جمهوری اسلامی در خصوص نقض شدید حقوق بشر بر کسی پنهان نیست.

مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، که هر دو مصوبه ی ژوئن سال ۱۹۴۸ هستند و در آن حق تشکل یابی، اعتصاب، تظاهرات کارگران و زحمتکشان و مذاکرات دسته جمعی به رسمیت شناخته شده است، متأسفانه با این وصف حکومت جمهوری اسلامی ایران، فعالان تشکل های مستقل و نیمه مستقل صنفی کارگری که خواهان رعایت این مقاله نامه های بین المللی در عرصه عمل هستند را روانه زندان و تبعید کرده است. در رابطه با عدم الزام به مقاله نامه های بنیادین ۸۷ و ۹۸، محمد شریف، حقوقدان و وکیل دادگستری می گوید: "در حقوق بین الملل، برخی مقاله نامه های سازمان جهانی کار، "آمره" هستند و به همین دلیل، برای همه کشورها لازم الاجرا می گردند، این دو مقاله نامه نیز، جزء قواعد آمره هستند. عدم رعایت این قواعد آمره، مسئولیت هایی در پی دارد".

ظرف هفته گذشته، معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از الحاق ایران به مقاله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار خبر داده است. موضوع مقاله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار تسهیل سه جانبه گرایی یعنی فراهم کردن امکانات "رایزنی کارآمد" میان نمایندگان دولت، کارفرما و کارکنان است. ماده سوم این مقاله نامه تاکید می کند که کارکنان و کارفرمایان باید در رایزنی سهم و جایگاه برابری داشته باشند. در ضمن روشن است که پیش شرط این مشاوره سه جانبه تحت عنوان مقاله نامه ۱۴۴، حق ایجاد تشکل ها و آزادی سندیکایی و حق ایجاد تشکل های آزاد نیز است، به عبارتی می بایستی در ایران تشکل های مستقل و آزاد از حق اجتماعات و اعتراض صنفی برخوردار شوند و این حق به رسمیت شناخته شود.

در جمهوری اسلامی هیچ کدام از شرایط بالا وجود ندارد و می توان گفت الحاق جمهوری اسلامی به مقاله نامه ۱۴۴ بیشتر یک حرکتی تبلیغاتی است، چرا که اساسا دولت اعتقادی به رعایت سه جانبه گرایی ندارد چه برسد که بخواهد بر اساس این مقاله نامه سه جانبه گرایی را تسهیل کند. کارگران، فعالان کارگری و تشکل های مستقل و نیمه مستقل کارگری و حتی

می گوید: "لازم است که به مصالح کارفرما که ستون اقتصاد و شاهرگ تولید را در دست دارد و کار تولید می کند توجه نشان دهیم".

علی ربیعی از خرداد سال ۹۲ وزیر کار دولت حسن روحانی شده است، این سوال اساسی مطرح می گردد که ظرف بیش از سه سال گذشته کارفرمایانی که به ایجاد شغل در کشور مشغول بوده اند، تاکنون توانسته اند چند درصد از ارتش بیکاران را که طبق آمار دولتی بیش از ۶ میلیون نفر هستند را برایشان اشتغال ایجاد کنند؟ در صورتی که همه و بسیاری از کارگران و زحمت کشان کشورمان بخوبی می دانند که کارفرمایان موسسات و کارخانجات بسیاری وجود دارند که ماه هاست دستمزد کارگران را با توجیهاتی مانند "تولید کم" یا "افزایش دستمزد کارگران" که بیش از انتظار بوده و همخوانی با توان آن ها ندارد و نمی توانند حقوق زحمتکشان را به موقع و کامل پرداخت کنند، به عقب انداخته اند.

واقعیت این است که سیاست های نتولیبرالی نزدیک به سه دهه گذشته، هر چه بیشتر به سیاست و اقتصاد ایران ضربات جبران ناپذیری وارد کرده است. افزایش سرسام آور واردات انواع کالا های مصرفی، زمینه تولیدات داخلی و اشتغال کارگران را بشدت کاهش داده است، دولتیان جمهوری اسلامی همواره مدعی شده اند که برای قابل رقابت کردن تولیدات داخلی نمی توان، دستمزدها را با توجه به تورم موجود افزایش داد، با این کار کارخانه ها و موسسات تولیدی دچار مشکلات اساسی مانند تعطیلی و بیکاری می شوند. در صورتی که بخشی از این موسسات تولیدی بدلیل واردات انبوه و بی رویه دچار بحران می



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

تبعات حقوقی مواجه خواهند شد. دولت جمهوری اسلامی ایران سال هاست که خود را در عمل ملزم به رعایت این دو مقوله نامه ندانسته و حتی احکام قضایی صادر شده در محکومیت کارگران و فعالین صنفی، در مواردی با تصریحات این دو مقوله نامه در تضاد آشکار بوده است.

ترکیب شورای عالی کار در جمهوری اسلامی

ترکیب اصلی شورای عالی کار ظاهراً می بایست شامل ۳ نماینده کارگری، ۳ نماینده کارفرما و ۳ نماینده دولت باشند، اما طبق آئین نامه وزارت کار در ترکیب نمایندگان دولت علاوه بر شخص وزیر کار دو تن دیگر از جمله وزرای صنعت و معدن و اتاق بازرگانی نیز حضور دارند که در این وضعیت توازن نیرو ۹ به سه به ضرر کارگران است و این ترکیب طبق قوانین بین المللی سه جانبه گرایی محسوب نمی شود. دولت و کارفرمایان غالباً با هم، خواست های خود را با توجیهات بر نمایندگان گروه کارگری (که غالباً نمایندگان تشکل های زرد هستند) تحمیل می کنند. در واقع در این وضعیت دولت تنها بعنوان حامی اصلی کارفرما نقش بازی می کند. متأسفانه در شورای عالی کار نمایندگان کارگران به غلط نماینده کارگران نامیده می شوند، زیرا بر اساس مقوله نامه سازمان جهانی کار، نماینده کارگران باید برگرفته از تشکل های مستقل کارگری باشند. در ایران تشکل مستقل کارگری از حق فعالیت آزادانه برخوردار نیستند و غالباً فعالان کارگری با تضيقات، مجازات ها و محدودیت های بیشماری مواجه می شوند. در این سال ها تجربه ترکیب شورای عالی کار نشان گر این واقعیت تلخ بوده که غالباً در حمایت از نیروی سرمایه و نه نیروی کار نقش بازی کرده است.

حسن روحانی و وضعیت معشیت و دستمزد کارگران و زحمتکشان

حسن روحانی در آذر ۹۵ مصاحبه ای با شبکه خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی داشته است و در آن عنوان کرده: "که درست است که نرخ تورم کاهش پیدا کرده ولی این دلیل نمی شود، که این کاهش نرخ تورم بر قیمت اقلام مصرفی مردم تاثیر بگذارد، متأسفانه مردم این گونه می بینند که اگر نرخ تورم رو به کاهش می گذارد حتماً باید بروی قیمت اقلام هم اثر کند". در واقع می توان چنین نتیجه گرفت که اعلام کاهش اسمی نرخ تورم از طرف دولت بیشتر یک نیرنگ سیاسی و تبلیغاتی است، در وضعیتی که دستمزد کارگران و زحمتکشان کفاف هزینه های جاری زندگی آن ها و خانواده هایشان را نمی دهد و شرایط سخت و دشواری بر کارگران و زحمتکشان برای بیرون آمدن از فقر بیشتر، مانند انجام کار چند شیفتی در روز، فرستادن کودکان به محیط های کار و ... تحمیل می شود، در ادامه کودکان کار در این وضعیت از تحصیل و آموزش محروم می شوند و این وضعیت هم به کودک و هم به جامعه آسیب های جدی وارد می کند.

نتیجه گیری

دستمزد کارگران و زحمتکشان بیش از هر چیز می بایست به عنوان یک ضرورت تامین نیازهای انسانی، اجتماعی و مطابق با تامین

تشکل های کارگری زرد می دانند که هر سال پیش از تعیین مزد در اواخر سال گروه کارگری تشکیل جلسه می دهد و با توجه به وضعیت تورم در کشور و سبب معیشت خانوارها نظر خود را در خصوص افزایش سطح دستمزدها اعلام می کند که با دستمزد واقعی بسیار فاصله داشته و تبعات و فشار مالی ناشی از آن نیز آه از نهاد کارگران بر آورده است. اما دولت های سابق و دولت کنونی حسن روحانی بدون رعایت سه جانبه گرایی واقعی، رقمی را که خود مایل است را به عنوان مزد تعیین و به خورد نمایندگان شو نمایشی مذکور می دهد و در آخر اعلام می کند....

در سه دهه گذشته هیچ گاه مشارکت ذی نفعان در تصمیمات به اصطلاح سه جانبه مورد توجه جدی قرار نگرفته و حتی در این مدت نمی توان یک جلسه مشترک با حضور دولت، کارگر و کارفرما یافت که گروه کارگری که غالباً از میان تشکل های زرد و دولتی هستند نیز از جلسه سه جانبه راضی بیرون آمده است.

از آنجا که دولت ایران عضو هیات مدیره سازمان جهانی کار است، تعهداتی نیز در قبال این نهاد بین المللی دارد. می توان گفت که تنها عضویت در این ارگان جهانی کافی است که دولت ایران متعهد به اجرای مقوله نامه های بنیادین از جمله مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ شود. بنابراین برای دولت های عضو، بحث الحاق یا عدم الحاق به مقوله نامه های بنیادین مطرح نیست، بلکه اجرا یا عدم اجرای آن دارای اهمیت است. منطقاً اگر مقوله نامه های بنیادین و قواعد آمره سازمان جهانی کار توسط دولت های عضو به اجرا در نیایند، با



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

اش اخراج و به زندان می افتد و حکم شلاق و تبعید نصیبش می شود، منطقی است که برای افزایش دستمزدها و حق تشکل یابی و رعایت قوانین بین المللی در ابعاد گوناگون مبارزه را به اشکال نوین پیش برد و در جهت جبهه ای گسترده برای دفاع از منافع کارگران همات گمارد. تردیدی نیست که با کوشش و مبارزات پیگیر شما امکان عقب نشینی کارفرمایان و دولت حسن روحانی وجود دارد. اقدام مشترک، نیروی شما را متحد می کند و در این وضعیت صدایتان در جامعه بازتاب مناسب را خواهد یافت.

هزینه های زندگی و حفظ شان و کرامت انسانی آن ها تعیین و اجرا شود. برای این کار لازم است کارگران بیش از هر سال دیگری نسبت به افزایش حداقل دستمزد و روند آن حساسیت و عکس العمل نشان دهند. کارگران هم چنان که تا کنون اقدام کرده اند، باتجمع، اعتصاب و اعتراض به ستم معیشتی، برای افزایش دستمزد اقدامات خود را هرچه گسترده تر و با سازماندهی بزرگ تر در ابعاد ملی مطرح کنند. در جمهوری اسلامی که ۹۵ درصد کارگران قراردادی هستند، کارگر امنیت شغلی ندارد، برای او حق داشتن تشکل مستقل ممنوع است، بیمه مکفی ندارد، نماینده

**کرامت انسانی، دستمزد مناسب،
بیمه و امنیت شغلی
حق انکار ناپذیر کارگران است؛**



**برای رسیدن به زندگی بهتر،
مطالبه افزایش دستمزد
را به مطالبه ای ملی تبدیل کنیم**



پژوهشی در اتحادیه های صنفی قبرس

تاریخچه جدایی ها و چالش های مشترک آینده (بخش ۱۴)



نوامبر ۲۰۱۳: اتحادیه ها خواهان خروج "ترویکا" از قبرس اند

گرگوریس ایوانو و سرتاک سونان
دسامبر ۲۰۱۴
ترجمه کودرز

گفتمان اجتماعی در شمال قبرس و کاستی های غیرقابل انکار

اساس یک گزارش جدید در بررسی بازار کار در شمال، چهارچوب حقوقی موجود مکانیزم های متنوعی را برای بر کند، از جمله شورای اجتماعی-اقتصادی، کمیسیون حداقل دستمزد، مجمع مشورتی گفتمان اجتماعی عرضه می تامین اجتماعی، کمیسیون دآوری و کمیسیون رفع اختلاف. با این وجود نتیجه گیری نهایی گزارش این است که این مکانیزم ها در عمل کافی نیستند و دو مشکل فاحش وجود دارند. یکم آن که عدم امکان توسعه جنبش اتحادیه ای در بخش خصوصی که تبعیض عملی برای عضویت کارگران بخش خصوصی و شرکت نمایندگان شان در این مکانیزم هاست. دوم کاستی قانونی است چرا که آئین نامه هایی وجود ندارند که این مکانیزم ها را تکمیل نمایند. گزارش مضافاً تاکید دارد که فرهنگ و خود باوری به توان گفتمان اجتماعی در جامعه حضور فعال ندارد. بطور مثال یکی از مهمترین این مکانیزم ها یعنی شورای اجتماعی-اقتصادی بیش از یک دهه است که تشکیل جلسه نداده است. سازمان دهی و تشکیل مؤثر مکانیزم های گفتمان اجتماعی بعنوان یکی از وظایف اساسی وزارت کار در برنامه کاری سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ شناخته و ذکر شده است.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

شاخص های پایه اقتصادی - ۲۰۱۳			
۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	
۳٫۷٪	-۵٫۵٪	-۲٫۹٪	رشد در آمدسرانه به درصد - شمال قبرس
۱۴٫۶۱۱	۱۳٫۸۳۰	۱۶٫۰۰۶	درآمد سرانه شمال قبرس به دلار آمریکا
۱۲٪	۱۲٫۴٪	۹٫۸٪	درصد بیکاری در شمال قبرس
۱۰٫۶٪	۹٫۷٪	۹٪	درصد بیکاری در ۲۷ کشور دیگر اتحادیه اروپا

Source: Dünyave KKTC EkonomisineBakış, State Planning Organization, September 2013

وضعیت شغلی برحسب جنسیت					
تعداد کل	مشاغل خانوادگی	کارگر/ کارمند	خویش فرما	کارفرما	وضعیت استخدامی جنسیت
۶۵٫۷۴۹	۵۹۲	۵۴٫۲۴۳	۸٫۱۵۳	۲٫۷۶۱	مرد
۳۱٫۳۵۴	۵۳۳	۲۷٫۱۵۳	۲٫۳۷۸	۹۴۱	زن
۹۷٫۱۰۳	۱٫۱۲۵	۸۱٫۳۹۶	۱۰٫۸۸۱	۳٫۷۰۲	تعداد کل

Source: State Planning Organization, October 2011,

اتحادیه های صنفی و سیاست

در جنوب

سقوط سیستم بانکی و مدارک فاحش دال بر تخلفات مسئولان بدون آن که کسی برای آن تحت تعقیب قرار گیرد، همزمان با تعمیق رکود مالی و تشدید ریاضت اقتصادی در سال ۲۰۱۳ باعث بی اعتباری تمام مؤسسات مالی و اقتصادی در قبرس شد. طبیعتاً بانکها و سیاستمداران و احزاب حاکم هدف اصلی این نارضایتی بودند، ولیکن اتحادیه ها هم از مضان اتهام دور نماندند. ازدست دادن حق عضویت تعداد زیادی از اعضا که از کار بیکار شده بودند بر اتحادیه ها تاثیر مستقیم گذاشت و آنها را مجبور کرد پوشش و تعداد کارکنان اداری خود را کاهش دهند. از سوی دیگر ارتباط با احزاب سیاسی و این حقیقت که همه احزاب به سیاست های ریاضت اقتصادی که از ترویکا به قبرس تحمیل شده بود، رأی تایید دادند باعث بی اعتمادی و این استنباط شد که اتحادیه ها از حقوق کارگران دفاع نکرده اند.

در عمل بحران محدودیت های سیاسی را اشکار کرد و ضعف ساختاری اتحادیه ها را فاش ساخت که حالا مجبور بودند در هزینه سیاسی ریاضت ها با احزاب شریک شوند. با وجود آن که اتحادیه ها در نوعی جدال سیاسی علیه ریاضت اقتصادی با اعلام کردند که هیچ راهی برای گریز وجود ندارد و آنها SEK و IPEO احزاب برخورد کردند اما در پایان در بحرانی ترین لحظه PASIDI مجبور به پذیرش سیاست های دولت اند و این موضوع در موافقتنامه ای بین اتحادیه ها و ترویکا به امضا رسید. اما علیرغم صدور بیانیه هایی برضد سیاستها بی عملی پیشه کرد و در تمام سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ درباره روند حوادث سکوت کرد.



دیگر کشورها

تحرکات گسترده سندیکاهاى کارگری در مکزیک اعتراض علیه افزایش قیمت گاز، بنزین و برق



مارتین اسپارزا دبیر سندیکاهاى کارگری برق

از جانب دیگر، کانون تازه تاسیس کارگران که بیست و پنج سازمان مختلف دانشجویی، تعاونی و کارگری را نمایندگی می کند، مردم را به اعتراض علیه سیاست های دولت که مستقیماً اقتصاد معیشتی مردم را مورد حمله قرار داده، دعوت به مبارزه مشترک کرد. در همین حال در سرتاسر مکزیک حرکات اعتراضی وسیع، نظیر بستن جاده ها و مسدود کردن ورودی پمپ بنزین ها بخاطر افزایش قیمت ها ادامه دارد.

سندیکاهاى، دانشجویی، دهقانی و تعاونی های بخش های مختلف تولید مردم را برای شرکت در یک جنبش همگانی علیه بالا رفتن قیمت های بنزین، گاز و برق دعوت کردند.

رهبران سندیکایی در بیانیه ای اعلام داشتند: "تنها راه برای متوقف کردن تغییرات ساختاری دولت در قوانینی که فقر و بی خانمانی مردم را باعث می شود اتحاد همگانی است.

مارتین اسپارزا دبیر اول سندیکای کارگران برق اعلام کرد، افزایش بهای برق به همراه بکار بستن سیاست های ریاضت اقتصادی مردم را به محرومیت های بیشتر سوق داده و ادامه این سیاست به بنیادی ترین خدمات اجتماعی نظیر، بهداشت و آموزش صدمات جدی وارد می کند. در برابر چنین واقعیت هایی چاره ای نیست جز سازمان دهی اعتراضات همگانی از طریق همه بخش های تولیدی، دانشجویی و دهقانی.

وی اعلام کرد: ما بر علیه چنین سیاست هایی در دولت پنیا نیتو مبارزه خواهیم کرد. در این رابطه در تاریخ ۲۶ ژانویه گذشته کنفدراسیون های بازنشستگان و کارگران تظاهرات اعتراضی گسترده ای علیه سیاستهای دولت را سازماندهی کردند.

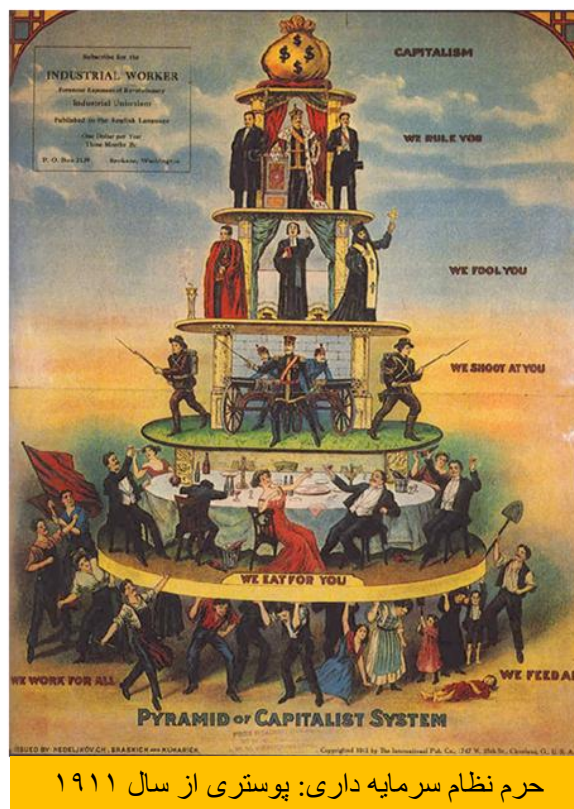


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

از جهان کار

اقتصادی برای ۹۹ درصد (بخش سوم)



حرم نظام سرمایه داری: پوستری از سال ۱۹۱۱

علت های نابرابری

ادامه از شماره ۱۷۱

سرمایه داری رفاقتی

شده و در اروپا به مذاکره دائمی برای تخفیف مقررات ضدتراست و مالیاتی مشغول است. سرمایه داری رفاقتی با هزینه از حواج عمومی و ممانعت از کاهش فقر، سود هنگفتی را نصیب اغنیا، یعنی صاحبان و مدیران این قبیل شرکت ها، می کند. این بدان معناست که مشاغل کوچکتر ناگزیر به تقلای بیشتر رقابتی برای بقای خویش اند و مردم عادی روزگارشان را با پرداختهای سنگینی بابت کالاها و خدمات کارتلها، انحصارات و شرکت‌هایی که روابط نزدیکی با حکومتها دارند، به سر می آورند. سومین ثروتمندترین مرد دنیا، کارلوس اسلیم (Carlos Slim) کنترل حدود ۷۰ درصد تمام خدمات تلفن موبایل و ۶۵ درصد خطوط ثابت را در مکزیک در اختیار

هم چنان که سازمان اُکسفام در گزارش "اقتصادی برای ۱ درصد" نشان داده است، شرکت های بسیاری در بخش های مختلف - مالی، معادن، نساجی، داروسازی و غیره - قدرت و نفوذ خارق العاده خود را به کار می گیرند تا مقررات و سیاست های ملی و بین المللی را در مسیری که تضمین کننده تداوم سودآوری آنها باشد، هدایت کنند. مثلاً شرکت های نفتی در نیجریه ترتیبی فراهم آورده اند که از معافیت های مالیاتی سرشاری برخوردار شوند.

حتی بخش تکنولوژی نیز، که زمانی یک بخش شفاف و سالم تلقی می شد، به نحو فزاینده ای به "رفیق بازی" آلوده شده است. شرکت الفبا (Alphabet)، شرکت مادر گوگل، به یکی از بزرگترین لابیگران در واشنگتن تبدیل



یکی از راه های تداوم این وضع فعالیتهای سرمایه ای آنهاست؛ از این قرار که برخی از بزرگترین سهامداران (خاصه سهامداران صندوقهای سهام اختصاصی و پوششی)، این ثروتمندترین اعضای جامعه، بزرگترین بهره برداران از بازی با سهام و انجراف رفتار شرکتها هستند.

فرار مالیاتی و خرید سیاستمداران

پرداخت کمترین مالیات ممکنه استراتژی کلیدی بسیاری از ابرثروتمندان است. آنها به این منظور از شبکه های مخفی بهشتهای مالیاتی جهانی، چنان که در "اسناد پاناما" و بسیاری اسناد دیگر فاش شده، سود می جویند. کشورهای برای جلب ابرثروتمندان و با فروش حق حاکمیت خود به آنان، دست به رقابت با یکدیگر می زنند. ابرثروتمندان برای فرار مالیاتی گزینه های بسیاری را در سراسر دنیا دارند. به ازای یک سرمایه گذاری حداقل ۲ میلیون پوندی شما می توانید از حق اقامت، کار و خرید املاک و از بخشودگیهای مالیاتی سخاوتمندانه ای در بریتانیا برخوردار شوید. در مالتا، یکی از بهشتهای مالیاتی اصلی دنیا، شما می توانید با پرداخت ۶۵۰ هزار دلار تابعیت و شهروندی کامل این کشور را بخرید. بنا به تخمین گابریل زوکمان، ۷/۶ تریلیارد دلار ثروت دور از چنگ مالیات در جهان وجود دارد. قاره آفریقا فقط از بابت استفاده ابرثروتمندان از بهشتهای مالیاتی آن سالانه ۱۴ میلیارد دلار از دست می دهد. بنا به محاسبه اکسفام این مقدار می تواند برای پرداخت هزینه های بهداشت کافی باشد. در این صورت سالانه ۴ میلیون کودک از مرگ نجات خواهند یافت و می توان به تعداد کافی آموزگار را برای آن که تمام کودکان آفریقا بتوانند تحصیل کنند، استخدام کرد. نرخ مالیات بر ثروت و درآمدهای بالا در سراسر جهان ثروتمند دائماً کاهش یافته است. نرخ مالیات برای درآمدهای بالا در آمریکا، از ۷۰ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۰ درصد در حال حاضر تقلیل یافته است. در کشورهای در حال توسعه نرخ مالیات بر ثروت از این هم پایینتر است. تحقیق اکسفام نشان می دهد که متوسط نرخ مالیات بر بالاترین ثروتها ۳۰ درصد است و بخش اعظم آن هم هرگز اخذ نمی شود.

بسیاری از ابرثروتمندان همچنین از قدرت، نفوذ و ارتباطات خود بهره می گیرد تا سیاستمداران را تسخیر کند و تضمین کند که مقررات در راستای منافع آنها عمل کنند. میلیاردرهای برزیل برای کاهش مالیات لابی می کنند. آنها در سائوپولو ترجیح می دهند که با هلی کوپتر، با پرواز از فراز راهبندانها و زیرساختهای فرسوده زیر پایشان، به کارهایشان برسند. برخی از ابرثروتمندان

دارد. این درآمدی معادل ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است.

نقش ابرثروتمندان در بحران نابرابری

با هر معیاری که بسنجیم، ما در دوران ابرثروتمندان زندگی می کنیم؛ یک "دوران طلائی" دوم که در آن یک لایه پر زرق و برق بر مسائل اجتماعی و فساد سرپوش می گذارد. تحلیل اکسفام از ابر ثروتمندی شامل تمام افرادی است که از یک دارائی خالص حداقل ۱ میلیارد دلاری برخوردارند. جمع دارائی ۱۸۱۰ میلیاردی که لیست فوربس برای سال ۲۰۱۶ اعلام کرده است (۸۹ درصد این افراد مرد اند)، معادل ۶/۵ تریلیارد دلار، یعنی برابر کل دارائی ۷۰ درصد پائینی بشریت است. درحالی که برخی از این میلیاردرها ثروت خود را مدیون کار سخت و نبوغ سرشار خویش اند، تحلیل اکسفام از کل میلیاردرها نشان می دهد که یک سوم آنان ثروت خود را به ارث برده اند و ۴۳ درصدشان هم ثروت خود را مدیون بندوبست با حکومت و سرمایه داری رفاقتی اند.

همین که ثروت تا حد معینی جمع شد، دیگر از قوه حرکت خود برخوردار خواهد شد. یک ابرثروتمند پول لازم را دارد که بهترین مشورت ها برای سرمایه گذاری را بخرد. افزوده ثروت ابرثروتمندان از سال ۲۰۰۹ به این سو به طور متوسط برابر ۱۱ درصد در سال بوده است. این درصد به مراتب بالاتر از درصدی است که یک شغل یا سرمایه گذاری خرد می تواند به آن نائل شود. خواه از طریق "صندوقهای پوششی"، خواه از طریق ذخیره های انبوه آثار هنری و غیره، صنعت بسیار مخفیانه مدیریت ثروت توفیق بسیاری در افزایش نعمات ابرثروتمندان داشته است. ثروت بیل گیتس از سال ۲۰۰۶ که او میکروسافت را ترک کرد، علیرغم بذل و بخشش ستودنی او، ۵۰ درصد یعنی برابر ۲۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. اگر میلیاردرها به این رویه برای تضمین درآمدهایشان ادامه دهند، در خلال ۲۵ سال آینده شاهد اولین تریلیاردرها خواهیم بود. در چنین اوضاعی، اگر شما از ثروتی برخوردار باشید، جداً باید سخت بکوشی تا خیلی ثروتمندتر نشوید!

دارائی های عظیمی که ما در بالاترین بخش طیف ثروت و درآمد شاهدیم، شاهد روشنی از بحران نابرابری و مانعی برای مبارزه علیه فقر مفرط است. اما ابرثروتمندان فقط برخورداران خوش خیم تراکم ثروت فزاینده نیستند، بلکه عاملان فعال تداوم آن نیز هستند.



همچنین از ثروت شان بهره می گیرند تا به نتایج سیاسی مورد نظرشان دست یابند و بر نتایج انتخابات سیاست عمومی تأثیر بگذارند. برادران گُخ (Koch)، دوتا از ثروتمندترین افراد دنیا، تأثیر عظیمی بر سیاستهای محافظه کارانه در امریکا دارند، از بیساری از اندیشکده های پرنفوذ و نیز از "جنبش تی پارتی" حمایت می کنند، و برای بی اعتبار کردن اقدامات برای حفاظت از محیط زیست سهم قابل توجهی می پردازند.

این تأثیرگذاری فعال سیاسی توسط ابرثروتمندان و نمایندگان آنان مستقیماً به نابرابری ساختاری از طریق "حلقه های فیدبک تقویت کننده" راه می برد؛ طریقی که در آن برندگان بازی در هر نوبت برنده مقادیر بزرگتری اند.

بادداشت منتخب

جنبش کارگری و جنبش سیاهکل



کانون مدافعان حقوق کارگر

علیرضا ثقفی

در هر دو مورد فوق، تضاد طبقاتی بحث ما یک بحث تاریخی است که در مقطع زمانی خاصی مورد بررسی قرار می گیرد و تعمیم آن به مسائل امروز، مجالی دیگر می خواهد که در آینده اگر فرصتی بود به آن خواهیم پرداخت. این امر مشخص است که میان شکل کار و محتوای حرکت ارتباط جدایی ناپذیر وجود دارد و نمی توان

خواستند در حقیقت با یک راه میان بر مشکل قدرت سیاسی را حل کرده و سپس کارگران و زحمت کشان را به دنبال خود بکشند. در این جا من می خواهم مسئله را از دو جنبه بررسی کنم یکی به لحاظ شکل و ارتباط فیزیکی و ملموس با جنبش کارگران و زحمت کشان و دیگری به صورت محتوایی، اجتماعی و روند رو به گسترش

مهم ترین نقدی که تا کنون به رستاخیز سیاهکل شده است عبارت از آن است که این جنبش حرکت عده ای روشنفکر بود که ارتباطی با مردم نداشتند و به عنوان جریانی جدا از حرکت مردم و کارگران و زحمت کشان، محصول عجله و بی طاقتی روشنفکرانی بود که طاقتشان از ظلم و ستم رژیم شاه به انتها رسیده بود و می



شدند اغلب نیروهای ملی همکاری با حکومت جدید را ترجیح دادند (نظیر ملکی، بقایی، کاشانی و

معظمی، صدیقی، صالح....) و سرکوب نیروهای چپ و کارگری تا

سالها بعد ادامه یافت. اعدام افسران حزب توده، تعقیب و آزار و کشتار فعالان کارگری، یورش به تشکل های کارگری و در چند مورد دستگیری و شکنجه های وحشتناک رهبران شورای متحده کارگری، از آن جمله است. پس از کودتای ۲۸ مرداد بسیاری از فعالان کارگری مورد تعقیب قرار گرفته و کشته شدند که از آن جمله میتوان به افرادی نظیر قازاریان، وارطان ملانصرالله دهقان و ابولفضل فرهی و ده ها فعال کارگری دیگر اشاره کرد.

در فروردین ماه ۱۳۳۳ / ۲۵ تن از اعضای شورای متحده مرکزی که از رهبران شورای ایالتی تهران این سازمان بودند دستگیر شدند با وجود این مقامات سفارت آمریکا برآورد می کردند که در سال ۱۳۳۴ گروهی از رهبران اصلی که شمارشان نزدیک به ۵۰۰ تن می رسد سازمانی از مسئولان اتحادیه را هم چنان حفظ کرده اند. در بهمن ماه ۱۳۳۳ یعنی حدود یک سال و نیم پس از کودتا، حکومت نظامی موفق به کشف و دستگیری رهبران شورای متحده کارگری شد. آنها که پس از کودتا توانسته بودند سازمان مخفی خود را حفظ کنند، در راه اندازی چند اعتصاب از جمله اعتصاب کارگران کفاش اهمیت مبارزات کارگری را نشان داده بودند. به همین جهت حکومت کودتا با تمام توان در جهت کشف شبکه رهبران کارگری بود و در یورش بهمن ماه توانست بیش از ۵۰ تن از رهبران کارگری شورای متحده را دستگیر کند و زیر شدیدترین

کار گرفت، در حالی که تعقیب و شکنجه ملیون و طرفداران نهضت

ملی خیلی زود تمام شد، تمام نیروی کودتا برای سرکوب و کشتار نیروهای چپ کارگری به کار گرفته شد و حتی از نیروهای ملی کسانی مورد خشم و غضب بیشتری قرار گرفتند که به نیروهای چپ و کارگری نزدیکتر بودند، همانند زنده یاد دکتر حسین فاطمی یا کریم پور شیرازی مدیر روزنامه شورش که مشخصا افکار چپ و ضد سرمایه داری داشتند. (۱)

در نتیجه خیلی نیاز به کنکاش نیست تا درک کنیم که مسئله اصلی کودتای ۲۸ مرداد سرکوب جنبش کارگری و چپ بود که پیگیرترین مبارزان ضدامپریالیستی و ضدسرمایه داری بودند. در اسناد بسیاری نیز آمده است که کودتای ۲۸ مرداد به خاطر ترس از به قدرت رسیدن نیرو های چپ و کارگری بود. بین نیروهای چپ و کارگری در آن دوره از یک طرف و نیروهای ملی و طرفدار ملی شدن صنعت نفت از طرف دیگر، تا قبل از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شکاف و اختلاف نسبتا زیاد بود و در مواردی نیروهای ارتجاعی از یکی علیه دیگری استفاده می کردند، آن وحدت لازم در میان آنان به صورتی نبود که نیروهای ارتجاعی احساس خطر کنند. اما پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱، این نزدیکی میان نیروهای چپ و جبهه ملی زیاد تر شد و همین امر چنان وحشتی در مرتجعین ایجاد کرد که همه آنان علیه این دو نیرو متحد شدند.

برخوردهای سال های بعد از کودتا نیز نشانگر همین امر است. در حالی که به فاصله کمی از کودتا برخی از ملیون مورد غضب قرار گرفته رها شده و برخی نیز به زندان های کوتاه مدت محکوم

آن ها را جدای از یکدیگر مورد بررسی قرار داد اما این رابطه شکل و محتوا و تاثیر متقابل آن ها در پدیده های اجتماعی مسئله ای است که تنها با شناخت دقیق و همه جانبه شرایط امکان پذیر است. در این نوشته سعی بر این است تا نقدهای این حرکت مورد بررسی قرار گیرد. اولین مسئله بررسی وضعیت جنبش کارگری در آن دوره است.

جنبش کارگری تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از رشد و بالندگی بسیار خوبی برخوردار بود به گونه ای که شورای متحده کارگری یکی از قوی ترین جنبش های کارگری در سطح منطقه بود. مبارزات کارگران در سال های ۱۳۳۰-۳۲ آن چنان قدرت و عمقی داشت که حتی امروز پس از گذشت ۶۰ سال از کودتای ۲۸ مرداد تمام آن ها که به بررسی تاریخ آن زمان پرداخته اند و تمام آنان که هنوز آن دوران را به یاد دارند، بر این اعتقادند که این قدرت جنبش کارگری اگر به درستی به کار گرفته می شد، توان جلوگیری از کودتای ۲۸ مرداد را داشت در این جا وقتی از جنبش کارگری صحبت می کنیم مجموعه جنبش چپ و کارگری است که آن زمان در صورت حزب توده و شورای متحده خود را نشان می داد. برای اثبات این امر نیاز به آوردن فاکت های زیاد یا استدالات پیچیده نیست. کافی است سری به منابع مستقل آن دوره زده یا حتی محاکمات دکتر مجد مصدق را به دقت مطالعه کنیم که در آن قدرت کارگران و نیروهای چپ در آن دوره به خوبی آشکار است. اما به همان میزان که جنبش کارگری و نیروهای چپ به قدرت بزرگی تبدیل شده بودند، کودتای ۲۸ مرداد نیروی اصلی خود را برای سرکوب جنبش چپ و کارگری به



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

تا حدودی رها شوند. می گویم تا حدودی زیرا این مسئله مشخص است که با پیروزی نیروهای چپ و کارگری در ایران و با وجود نظام جهانی سرمایه داری چالش ها و مبارزات وسیعی هم زمان در پیش رو قرار داشت. به همان دلیل که کشورهای دیگری که تا حدودی استقلال و آزادی خود را به دست آورده بودند، نتوانستند آن را در طوفان های بعدی چالش با سرمایه داری حفظ کنند، همانند هند یا چین و یا همان اردوگاه سوسیالیسم آن زمان. اما این مسئله هیچ گونه دلیلی بر آن نمی شود که در آن مقطع نیروهای چپ و کارگری و گرایش چپ جبهه ملی می توانستند حداقل جلوی کودتا را بگیرند. این سوال که در صورت جلوگیری از کودتا وضعیت مردم، امروزه چگونه بود سوالی است کاملاً انحرافی، مگر قرار است مشکلات جامعه بشری یک بار برای همیشه حل شود، چه کسی چنین ادعایی کرده است و به طور قطع اگر جلو کودتا هم گرفته می شد، تنها بخشی از مسائل قابل حل بود، و بخش عمده آن نیز باید در چالش های بعدی تکلیفش روشن می شد، اما می توان گفت که به طور قطع در جایگاهی بهتر از امروز بودیم.

با این حال در دور بعدی مبارزه که برای شکستن جو یاس و نا امیدی از سیاهکل آغاز شد نسل جدید نیرو های چپ و کارگری وحدت و همبستگی خود را نشان دادند که تا سرنگونی شاه ادامه داشت.... از طرف دیگر در کنار سرکوب کارگران نیروهای کودتا و پشتیبانان آنها مبادرت به ایجاد تشکل های دست ساز خود کردند تا مبارزات کارگران و زحمتکشان را به سمت دلخواه هدایت کنند. اهمیت مسائل کارگری ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد آن چنان بود که سفارت خانه های آمریکا و انگلیس با فاصله

و خوردی که میان آنان و ارتش کودتا صورت گرفت بیش از ۱۰ نفر از کارگران کشته شده و تعداد زیادی زخمی در صحنه های نبرد کارگران و ارتش شاه برجای ماند. هر چند کودتاگران در صحنه نظامی پیروز شدند ولی در انتها مجبور شدند در برابر خواست کارگران عقب نشینی کنند. کشتار کارگران و عدم حمایت بخش های دیگر جامعه از آنان و همچنین انفعال نیرو های چپ و کارگری در کودتای ۲۸ مرداد، جو یاس و نا امیدی را بر جریان چپ و کارگری حاکم کرد که تا سالها بعد ادامه داشت.

یکی دیگر از درخشان ترین مبارزات کارگران در زمان شاه راه پیمایی کارگران جهان چیت از کرج به تهران بود که در سال ۱۳۵۲ اتفاق افتاد. هرچند در این راهپیمایی میان کارگران و نیروهای ارتش کودتا در کاروانسرا سنگی درگیری شدیدی به وجود آمد و تعدادی از کارگران کشته شدند اما این درگیری تاثیری مستقیم در تضعیف رژیم کودتا داشت به طوری که برای اولین بار پس از کودتا جنبش چپ دانشجویی که تحت تاثیر مبارزات سیاهکل بود نیز به حمایت از کارگران جهان چیت برخاست. و این دور جدیدی از مبارزات کارگری بود که گسست قبلی را از میان بر می داشت.

در نتیجه به لحاظ شکلی می توان چنین گفت که کودتای ۲۸ مرداد اساساً کودتایی بود علیه نیروهای چپ و کارگری و آن بخش از ملیون و از جمله دکتر مصدق که پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ هر روز با چپ ها و نیروهای کارگری پیوند نزدیک تری پیدا می کرد. زیرا هم نیروهای چپ و کارگری و هم مصدق و نیروهای چپ جبهه ملی دریافته بودند که تنها با اتحاد یکدیگر است که می توانند آزادی و استقلال را به دست آورند و از این نوع بردگی نظام سرمایه داری و قدرت های خارجی

شکنجه ها قراردهد. از آن پس تا سالها بعد مبارزات کارگران به شدید ترین و جه سرکوب می شد ...

پس از کودتای ۲۸ مرداد جنبش کارگری به رغم آن که به شدت مورد تهاجم قرار گرفت و سرکوب شد، اما از پای ننشست و در دوران پس از کودتا به خصوص تا سال که کشتار کارگران کوره پز ۱۳۳۸ خانه ها و کارگران نساجی اصفهان صورت گرفت همچنان ادامه داشت. گرچه از فردای کودتا اعتراضات پراکنده در تمامی مناطق کارگری ادامه داشت اما از مهمترین آنان اعتصاب سراسری کارگران کوره پز خانه ها در خرداد ماه ۱۳۳۸ بود. آن ها خواهان افزایش دستمزد ۳۵ درصدی بودند و در این زمینه هم بستگی کاملی میان کارگران حکمفرما بود. اما مقامات کودتا که از این اعتراض سراسری کارگران به خشم آمده بودند و گمان نمی کردند که کارگران در برابر قدرت آنان ایستادگی کنند، برای کارگران لشکر کشی کردند، ولی کارگران شجاعانه در برابر نیروهای کودتا ایستادند، در زد و خوردی که میان ارتش و کارگران صورت گرفت بیش از ۵۰ تن از کارگر کشته شدند و صدها نفر زخمی بر صحنه نبرد بر جای ماند. در این نبرد بیابان های اطراف ورامین غرقه در خون کارگران شد و اجساد کارگران در منطقه ای وسیع پراکنده بود. تو گوئی که صحنه ای از نبردهای جنگ جهانی بود. دژخیمان شاه که می خواستند سکوت گورستان را حاکم کنند در مواردی رگبار مسلسل را به روی کارگران می بستند.

هم زمان با اعتصاب سراسری کارگران کوره پز خانه ها، کارگران کارخانه نساجی وطن اصفهان که در جریان کودتا مورد تهاجم قرار گرفته و بسیاری از آنان بازداشت و یا اخراج شده بودند، بار دیگر دست به اعتصابی سراسری زدند و در زد



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

بهمن ۱۳۵۷ این دو مطلق به طور کامل شکسته شد و توده های مردم دانستند که قدرت حکومت ها هیچ گاه نمی تواند به صورت مطلق دوام آورد و ضعف مردم نیز مطلق خود را می شکند.

حرکت هم راستای فعالان کارگری و کارگران و زحمتکشان در ظرف چند سال ثمره خود را بر جای گذارد و با سرنگونی شاه بزرگترین سازمان سیاسی چپ در عرصه مبارزه ظاهر شد. این ظهور بدان خاطر بود که حرکت آنان توانسته بود تا حدود زیادی بی عملی و ناتوانی نیروهای چپ و کارگری را پس از کودتای ۲۸ جبران کند. بی مرداد سال ۳۲ عملی و ناتوانی ای که بیشتر معلول رهبری آن نیرو ها بود تا آنکه به کارگران و زحمتکشان مربوط باشد. اما همین امر یک بدبینی و نا امیدی در کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم ایجاد کرده بود که با اقدام به شکست دو مطلق از جانب نیرو های چپ و کارگری تا حدود زیادی جبران شد و گرفت آن نتیجه ای را که لازم بود. یعنی حرکت سیاهکل به لحاظ محتوایی هم راستا با حرکت کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی حکومت کودتا بود و به لحاظ شکلی شکستن دو مطلق بود که ظاهری و قابل شکستن. اما شوربختانه وارثان این حرکت عظیم نتوانستند میراث سیاهکل را به خوبی پاس دارند که آن نیز خود ... مجال دیگری می طلبد هر چند نیروهای مدافع سرمایه داری از آن پس تلاش کردند تا بار دیگر دو مطلق را بر قرار کنند و ادعا کنند که بار دیگر به جزیره آرامش رسیده اند اما از آن زمان تاکنون به رغم کشتار ها و اعدام ها و قتل عام های زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و قتل های زنجیره ای و سرکوب ها ، مردم و نیرو های مبارز ، تمام مصائب رنج ها و ستم ها و کشتار هارا تحمل کرده اند، اما هرگز به دو مطلق باز نگشتند و سکوت قبرستانی را پذیرا نشدند و مبارزات

منسجم روشنفکری و کارگری به راه و روشی رسیدند که ضرورت حرکت در جهت باز کردن راهی جدید برای مبارزه را در دستور قرار دادند. این سگوت گورستانی را که بر قرار شده بود و ضعف مطلق را که کارگران و زحمتکشان در برابر قدرت مطلق رژیم احساس می کردند، مانع هرگونه حرکت و تشکلی بود. علاوه بر آن در سطح جهانی نیز نیرو های چپ و کارگری تعرضی سراسری را به سرکوبگران سرمایه داری آغاز کرده بودند که نمونه های آن را در امریکای لاتین و خاور میانه مشاهده میکنیم و کشورهایی همانند کوبا، ونزوئلا، نیکاراگوئه، برزیل و... مبارزات مسلحانه ای را علیه حکومت های دست نشانده آغاز کرده بودند و هم چنین در خاورمیانه در شکل مبارزات مردم ظفار، یمن، فلسطین، ترکیه و به خصوص مبارزات ویتنام و جنوب شرق آسیا، خود را نشان می داد ...

تاثیر متقابل مبارزات نیرو های چپ و کارگری در ایران و مبارزات جهانی و مقاومتها در برابر تهاجم همه جانبه نظام سرمایه داری، ضرورت حرکتی جدید و مبارزه ای قهرمیز را در دستور کار قرار داد. در سالهای اولیه بعد از کودتا، حکومت کودتا تمام تلاش خود را به کار برد تا تمام بقایای سازمانهای کارگری و چپ را از میان بردارد و چنین بود که تمامی نیروهای نظام سرمایه داری در جهت ایجاد فضای با گورستانی به کارگرفته شدند کشتار کارگران کوره پز خانه ها در ورامین و کارگران در اصفهان... نیرو های سرکوبگر توانستند در چشم توده های مردم قدرت مطلق حکومت و ضعف مطلق مردم را حاکم کنند. دو مطلق که باید درهم می شکست و جریان سیاهکل از جانب نیروهای چپ و کارگری تدارک دیده شد تا آغازی برای شکست این دو مطلق باشد و پس از سال ها مبارزه بالاخره در سالگرد همان حماسه سیاهکل در

کمی از کودتا مبادرت به ایجاد تشکل های دست ساز خود کردند. (ص ۳۷۴ اتحادیه های کارگری و خودکامگی) در سفارت آمریکا یک هیات ۳۰ نفره متشکل از ۱۳ آمریکایی و ۱۷ ایرانی پس از کودتا مسائل کارگری ایران را رهبری می کرد، این هیات مستقر در سفارت آمریکا و وزارت کار بود. در سال ۱۳۳۳ یک رهبر کارگری دست ساخته به آمریکا اعزام شد و تا سال ۱۳۴۰ نزدیک به ۶۰۰ کارگر در انواع برنامه ها که در ایران و ایالات متحده به اجرا درمی آمد شرکت کردند.

کانینگهام، دیپلمات آمریکایی، وضعیت کارگران را پس از کودتای ۲۸ مرداد چنین توصیف می کند کارگران عادت کرده اند که سهم اندکی از درآمد کشور را دریافت کنند و متقاعد کردن آنان به این که ممکن است حق دریافت سهم بیشتری داشته باشند کار دشواری است. کارگران غالباً بی این که صدای اعتراض از آنان شنیده شود فاحش ترین تجاوزات را به حقوق خود می پذیرند" (اتحادیه های (کارگری و خودکامگی ص ۳۵۲ اما به لحاظ محتوای مبارزات چپ و کارگری وضعیت به گونه ای بود که که لبه تیز آن متوجه سرکوب ۱۳۳۳ کارگران و زحمت کشان بود... پس از سرکوب سراسری جنبش کارگری و به خصوص پس از کشتار کارگران در ۱۳۳۸، یک سکوت قبرستانی بر جامعه حاکم کرده بودند و اعتراض کارگران و زحمت کشان، به صورت حرکت های جمعی تا مدتی در سکوت بود. وضعیت به گونه ای بود که بنابر گزارش سفارت آمریکا یاس و ناامیدی بر همه چیز سایه افکنده بود. این قدرت اهریمنی شاه از یک طرف و احساس ضعف کارگران و زحمت کشان و توده های مردم از طرفی دیگر، باید شکسته می شد تا بار دیگر مردم و زحمت کشان به خودباوری برسند.

امر مهم آن بود که گروه های



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۲

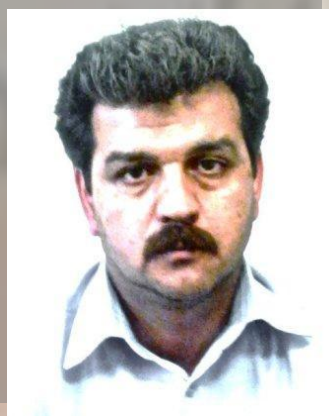
: شعر معروف کریم پور شیرازی (۱)
هرکه افزوده گشت مال و زرش زر
نبارید از آسمان به سرش
از کجا جمع گشته ثروت و مال یا
خودش دزد بوده یا پدرش

آزادیخواهانه و طبقاتی از آن زمان
تاکنون همچنان ادامه دارد.

تشکل ها

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بازگرداندن مجدد رضا شهابی به زندان را محکوم می کنیم



رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با دستور مقامات طی روزهای آینده به زندان بازگردانده می شود. متعاقب تماس های مکرر دادستانی تهران با رضا شهابی برای مراجعت به زندان هم چنین اخطار کتبی دادستانی به وثیقه گذار ایشان در مورد توقیف وثیقه، شنبه بیست و سوم بهمن، رضا شهابی به همراه وکیل، وثیقه گذار و همسرش و جمعی از اعضای سندیکا که در مقابل ساختمان حضور داشتند، به دادستانی رفت. شهابی و وکیل ایشان ابوطالبی به حاجی مرادی معاون امنیتی دادستان مراجعه کردند که وکیل با شرح اوضاع وخیم جسمی شهابی، این خواسته را طرح کرد که شهابی نباید به زندان بازگردانده شود.

ولیکن حاجی مرادی اعلام کرد: "با توجه به دستور و پیگیری دادستان، شهابی باید به زندان مراجعه کند و تنها در این صورت است که سند وثیقه گذار مسترد خواهد شد".
وضعیت جسمی رضا شهابی به فشارهای ناشی از دوران بازجویی، حبس و نیز دو عمل جراحی سنگین (کمر و گردن) همچنین عوارض ناشی از اعتصابات غذا، بحرانی است و مشکلات معیشتی و ممانعت از بازگشت بکار، شرایط ایشان را تشدید کرده است.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازگرداندن مجدد رضا شهابی به زندان را محکوم می کند و خواهان پایان دادن به زندان و رفع تعقیب پلیسی، امنیتی، قضایی از ایشان و سایر اعضای سندیکا از جمله ابراهیم مددی نایب رئیس و داود رضوی دیگر عضو هیات مدیره سندیکا و دیگر فعالان کارگری و صنفی است.